



نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان

«راهنمای عملی پلیس»

معاونت تربیت و آموزش ناجا

۱۳۹۲



معاونت تربیت و آموزش ناجا - اداره کل منابع و متون درسی

عنوان: نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان - راهنمای عملی پلیس

مؤلفان: محمد بارانی، دکتر سیدسعید کشفی

ناشر: علامت

ویرایش: اداره کل منابع و متون درسی

طرح جلد: سیدمجتبی حسینی دولتیادی

صفحه آرایشی: میترا شهمیرزادی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۳۳-۱-۶

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

سال نشر: ۱۳۹۲

قیمت: ۸۵/۰۰۰ ریال

چاپ: چاپخانه معاونت تربیت و آموزش ناجا

نشانی: تهران، میدان ونک، مجتمع انتظامی ۱۲ فروردین، معاونت تربیت و آموزش ناجا تلفن: ۸۱۸۲۱۲۵۶

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

: بارانی، محمد، ۱۳۴۵
: نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان: راهنمای عملی
پلیس/محمد بارانی، سید سعید کشفی؛ [زیر نظر] معاونت
تربیت و آموزش ناجا؛ اداره کل منابع و متون درسی

مشخصات نشر

: تهران: علامت، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری

: ۴۱۲ ص.: جدول

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۳۳-۱-۶

وضعیت فهرست نویسی

: فیاپا

موضوع

: عدالت کیفری کودکان و نوجوانان

موضوع

: عدالت کیفری کودکان و نوجوانان -- ایران

شناسه افزوده

: کشفی، سیدسعید، ۱۳۵۰

شناسه افزوده

: ناجا- اداره کل منابع و متون درسی

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۲ ن ۲/۵/۷۶/۹۰ HV

رده بندی دیویی

: ۳۶۴/۳۶

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۱۴۹۳۸۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیش گفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	تعاریف و مفاهیم
۱۹	الف - پلیس
۲۱	ب - کودک
۲۴	ب - دادرسی ویژه نوجوانان
۳۷	فصل اول - مقدمات و الزامات پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان در تماس با قانون
۲۹	بخش اول - آشنایی با مبانی نظری حقوقی و جرم‌شناختی
۳۰	مبحث اول - کودکان از دیدگاه مکاتب و اسناد حقوقی
۳۰	گفتار اول - مکتب کلاسیک
۳۱	گفتار دوم - مکتب نئوکلاسیک
۳۱	گفتار سوم - مکتب تحقیقی
۳۲	گفتار چهارم - مکتب دفاع اجتماعی
۳۲	گفتار پنجم - قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی
۳۳	گفتار ششم - کودکان از دیدگاه حقوق ایران
۳۵	مبحث دوم - مبانی نظری جرم‌شناختی
۳۵	گفتار اول - نظریه برچسب‌زنی
۳۵	گفتار دوم - نظریه‌های حقوق بشری

- ۷ گفتار سوم - رویکرد عدالت مطلق
- ۸ گفتار چهارم - دادرسی ترمیمی
- ۲ گفتار پنجم - نظام عدالت کودکان و نوجوانان
- ۴ بخش دوم - مبانی نظری روان‌شناختی مراحل رشد و تکامل کودکان و نوجوانان
- ۶ مبحث اول - زمینه‌های رشد و تکامل
- ۷ مبحث دوم - مراحل رشد و تکامل پیش از تولد
- ۳ مبحث سوم - مراحل رشد و تکامل بعد از تولد
- ۴ گفتار اول - مراحل رشد و تکامل از دیدگاه اریکسون
- ۶ گفتار دوم - مراحل رشد و تکامل از دیدگاه پیاژه
- مبحث چهارم - مراحل رشد و تکامل از دیدگاه اسلام
- بخش سوم - مهارت‌های ارتباطی پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان
- مبحث اول - عوامل و مهارت‌های مؤثر در برقراری ارتباط با کودکان
- مبحث دوم - ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان، مؤثر در برقراری ارتباط
- بخش چهارم - تماس کودکان با قانون و واکنش نسبت به آنها
- مبحث اول - کودکان در تماس با قانون (پلیس)
- مبحث دوم - واکنش نسبت به کودکان در تماس با قانون (پلیس)
- مبحث سوم - جنسیت کودکان در تماس با قانون (پلیس)
- مبحث چهارم - عدم تبعیض
- بخش پنجم - آشنایی با نظام حمایت اجتماعی از کودکان و نوجوانان
- مبحث اول - نمودار نسلی
- مبحث دوم - نمودار زیست محیطی
- مبحث سوم - تعامل اشخاص حقیقی و حقوقی مؤثر بر دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان

- فصل دوم - نقش پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان از منظر اسناد بین‌المللی و قوانین ملی ... ۱۰۵
- بخش اول - نقش پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در اسناد و مقررات بین‌المللی ۱۰۷
- مبحث اول - اسناد و مقررات بین‌المللی مرتبط با نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان ۱۰۷
- گفتار اول - کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودک (CRC) ۱۰۹
- گفتار دوم - رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ۱۱۱
- گفتار سوم - حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد ... (مقررات پکن) ۱۱۳
- گفتار چهارم - مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی ۱۱۴
- گفتار پنجم - حداقل مقررات سازمان ملل متحد در زمینه تدابیر مربوط به حبس‌زدایی (مقررات توکیو) ۱۱۵
- گفتار ششم - قطعنامه ۱۰/۲۲۰۵ سازمان ملل متحد - رهنمودهایی در زمینه دادرسی ۱۱۶
- مبحث دوم - اصول، ویژگی‌ها و شاخص‌های پلیسی دادرسی کودکان و نوجوانان ۱۱۷
- گفتار اول - اصول نظام دادرسی کودکان و نوجوانان ۱۱۷
- گفتار دوم - ویژگی‌های نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان ۱۲۲
- گفتار سوم - شاخص‌های ارزیابی نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان (شاخص‌های پلیسی) ۱۲۳
- بخش دوم - نقش پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در قوانین ملی ۱۲۶
- مبحث اول - نگاه قانونگذار به نقش پلیس در قوانین داخلی ۱۲۶
- گفتار اول - قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ ۱۲۶
- گفتار دوم - قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸ ۱۲۷
- گفتار سوم - لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸ مصوب شورای انقلاب ۱۲۹
- گفتار چهارم - قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ۱۲۹
- مبحث دوم - نگاه قانونگذار به نقش پلیس در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ۱۳۰
- مبحث سوم - بررسی تحولات ساختاری پلیس در قبال جرایم کودکان و نوجوانان ۱۳۲
- بخش سوم - بررسی مقایسه‌ای نقش پلیس در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی ۱۳۴

فصل سوم - پلیس و رویکرد عدالت ترمیمی به جرایم کودکان و نوجوانان معارض قانون.....	۴۲
بخش اول - مفهوم عدالت ترمیمی و شیوه‌های اجرای آن.....	۴۴
مبحث اول - مفهوم، تاریخچه، فلسفه و عناصر اساسی.....	۴۴
گفتار اول - مفهوم عدالت ترمیمی.....	۴۴
گفتار دوم - تاریخچه دادرسی ترمیمی.....	۴۶
گفتار سوم - فلسفه و عناصر اساسی دادرسی ترمیمی و مقایسه آن با سایر الگوهای دادرسی.....	۴۸
الف - فلسفه و عناصر اساسی دادرسی ترمیمی.....	۴۸
ب - مقایسه عدالت ترمیمی با عدالت کیفری.....	۴۹
مبحث دوم - انتقادات و مخاطرات.....	۴۹
گفتار اول - انتقادات.....	۴۹
گفتار دوم - مخاطرات.....	۴۹
الف - خطرات خاص قربانی.....	۴۹
ب - خطرات خاص بزه‌کار.....	۴۹
پ - مدیریت خطر.....	۴۹
مبحث سوم - شیوه‌های اجرای عدالت ترمیمی.....	۴۹
گفتار اول - میانجی‌گری.....	۴۹
گفتار دوم - ملاقات‌های رو در روی بزه‌دیده با بزه‌کار.....	۴۹
گفتار سوم - حلقه‌ها یا نشست‌ها.....	۴۹
گفتار چهارم - هیئت‌های ترمیمی جامعه محلی.....	۴۹
بخش دوم - پلیس و اجرای عدالت ترمیمی.....	۴۹
مبحث اول - مطالعات موردی عدالت ترمیمی.....	۴۹
مبحث دوم - حرکت به سمت عدالت ترمیمی.....	۴۹
گفتار اول - عزم دولت و جامعه مدنی.....	۴۹
گفتار دوم - عزم پلیس.....	۴۹

فصل چهارم - فرایند مداخله و نحوه رفتار پلیس با کودکان و نوجوانان ناقض قانون	۱۸۰
بخش اول - کلیات	۱۸۲
مبحث اول - تاریخچه توسعه و تکامل دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان	۱۸۲
مبحث دوم - مواد قانونی مرتبط با پلیس و دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان	۱۸۵
بخش دوم - شیوه مداخله و رفتار اصولی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون	۱۸۸
مبحث اول - فرایند کلی مداخله	۱۸۸
گفتار اول - پیشگیری	۱۸۸
الف - تعریف و انواع پیشگیری از جرم	۱۸۸
ب - پیشگیری‌های مرتبط با دادرسی ویژه نوجوانان	۱۹۰
پ - نقش پلیس در پیشگیری از جرایم نوجوانان	۱۹۳
گفتار دوم - مداخله اولیه	۱۹۴
گفتار سوم - مداخله قانونی	۱۹۵
گفتار چهارم - تداوم و استمرار مراقبت	۱۹۷
مبحث دوم - اهمیت سن مسئولیت کیفری	۱۹۸
گفتار اول - سن مسئولیت کیفری	۱۹۸
الف - سن مسئولیت کیفری در قوانین ملی	۱۹۸
ب - سن مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی	۲۰۲
پ - سن مسئولیت کیفری در سایر کشورها	۲۰۳
گفتار دوم - منابع تشخیص سن	۲۰۵
مبحث سوم - شیوه‌های مداخله و رفتار اصولی پلیس	۲۰۶
گفتار اول - شیوه و چگونگی رفتار پلیس	۲۰۷
گفتار دوم - مصاحبه و بازجویی	۲۰۸
الف - مصاحبه	۲۱۱

- ۲۱۱ مرحله اول - پیش از مصاحبه
- ۱۲ مرحله دوم - انجام مصاحبه (حین مصاحبه)
- ۱۳ مرحله سوم - بعد از مصاحبه
- ۱۴ ب - بازجویی
- ۱۴ مراحل و چگونگی بازجویی از کودکان
- ۱۶ پ - مکان مصاحبه و بازجویی
- ۱۷ ت - مطالعه موردی مصاحبه و بازجویی
- ۱۸ گفتار سوم - بررسی امکان قضارداری توسط پلیس
- ۱۸ الف - تعریف، مانی و اهداف قضارداری
- ۰ ب - شرایط قضارداری
- ۰ پ - روش های قضارداری توسط پلیس
- ۲ ت - مصادیق قضارداری
- ۴ ث - مطالعات موردی قضارداری
- ۷ ج - اجرای برنامه های قضارداری
- ۸ ح - آسیب ها و تهدیدهای قضارداری
- ۸ خ - مقامات ذی صلاح قضارداری
- گفتار چهارم - احضار، دستگیری و بازداشت
- الف - احضار
- ب - دستگیری و بازداشت
- ۱ - اهداف دستگیری و بازداشت
- ۲ - ملاحظات اساسی دستگیری و بازداشت
- ۳ - جایگزین های دستگیری و بازداشت
- ۴ - حقوق متهمان توقیف شده

۲۳۶	۴-۱- در مرحله دستگیری و بازداشت
۲۳۸	۴-۲- در انتظار محاکمه
۲۳۹	۵- مطالعات موردی دستگیری و بازداشت
۲۴۲	گفتار پنجم - فرایند مداخله پلیس بر اساس قوانین ملی
۲۴۲	الف - جرایم شایع کودکان و نوجوانان
۲۴۴	ب - فرایند مداخله پلیس
۲۴۵	۱- مداخله پلیس در جرایم مشهود
۲۴۶	۲- مداخله پلیس در جرایم غیر مشهود
۲۴۷	۳- مداخله پلیس در جرایمی که وقوع آنها مشکوک است
۲۴۷	پ - لزوم توجه به مداخله افتراقی
۲۵۰	گفتار ششم - بهترین رویه‌های نظارت بر نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان
۲۵۰	الف - چک لیست دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان
۲۵۰	ب - چک لیست کودکان قربانی جرم
۲۵۲	پ - چک لیست کودکان نیازمند حمایت
۲۵۲	ت - چک لیست کودکان شاهد جرم
۲۵۳	ث - چک لیست کودکان در تعارض با قانون (بزهکار)
۲۵۵	ح - ضرورت تخصصی شدن پلیس
۲۵۷	گفتار هفتم - پیشنهادهایی برای پلیس ایران
۲۵۹	ضمایم
۲۵۹	الف - قوانین و مقررات ملی
۲۵۹	۱- از قانون آ.د.د.ع.ا مصوب ۱۳۷۸
۲۶۴	۲- مواد مرتبط با دادرسی نوجوانان در لایحه آیین دادرسی کیفری
۲۷۴	ب - اسناد بین‌المللی

- ۱- پیمان نامه حقوق کودک ۲۷۴
- ۲- مقررات بکن ۳۲۵
- ۳- رهنمودهای ریاض ۳۶۱
- ۴- مقررات سازمان ملل برای نوجوانان محروم از آزادی ۳۷۶
- منابع ۴۰۳
- الف- کتاب ها ۴۰۳
- ب- تحقیقات و پژوهش ها ۴۰۵
- پ- اسناد ۴۰۶
- ت- مقالات ۴۰۸

پیش‌گفتار

معاونت تربیت و آموزش ناجا حسب وظایف ذاتی خود، متولی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و هماهنگی امر آموزش در ناجاست؛ علاوه بر آن، عهده‌دار تأمین منابع آموزشی کلیه دوره‌های بدو خدمت و حین خدمت مقاطع مختلف می‌باشد.

تمامی همکاران- پایور و پیمانی- برای اخذ ترفیع و نایل به درجه بالاتر، نیازمند گذراندن آموزش‌های لازم هستند که این امر، ضرورت تهیه و تدوین منابع و متون را دوچندان می‌نماید. از این‌رو در سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا ضمن تجدیدنظر در نیازسنجی‌های آموزشی، کارشناسان اهل قلم در حوزه‌های مأموریتی شناسایی شوند و متون آموزشی مورد نیاز را تألیف و تدوین کنند که این مهم تا حدودی عملی شده است.

کتاب حاضر، در اجرای دستورالعمل تدوین و تجدیدنظر در برنامه‌ها و متون آموزشی به شماره ۱۸/۸/۱/۲/۲۷۴۴-۱۳۸۸/۱۱/۲۹ برای کارکنان ناجا، با عنوان «نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان- راهنمای عملی پلیس توسط جناب سرهنگ محمد بازانی و جناب سرهنگ دکتر سیدسعید کشفی تألیف شده و زیر نظر اداره کل منابع و متون درسی معاونت تربیت و آموزش ناجا به چاپ رسیده است.

امید است محققان، صاحب نظران و مسئولان ذی ربط، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را برای برطرف کردن نقایص و کاستی‌های احتمالی و کامل تر شدن محتوای این اثر به مؤلفان، گروه‌های مربوطه و اداره کل مزبور منعکس نمایند تا پس از اصلاح نهایی در اختیار رده‌های استفاده کننده قرار گیرد.

معاون تربیت و آموزش ناجا
سرتیپ دوم پاسدار دکتر سعید شکری پور

www.ketab.ir

مقدمه

به دنبال دیدگاه‌های تازه حقوقی و جرم‌شناختی، نگرش‌ها نیز نسبت به قوانین جزایی، شکل و شیوه دادرسی؛ همچنین نوع و نحوه واکنش به رفتارهای مجرمانه و شرایط اجرای آن مدام در حال دگرگونی است. این تغییر نگرش به‌خصوص در مبحث کودکان و نوجوانان ناقض قانون^۱، به دلیل تفاوت‌های اساسی روحی و روانی، احساسی و عاطفی، ادراکی و عقلانی و جسمانی بیشتر نمایان است. از طرفی، اولاً: اعمال مجرمانه این افراد برخلاف بزرگسالان ناشی از خبط طبیعت و روحیه پلید ایشان نبوده؛ بلکه اغلب معلول سادگی، بی‌تجربگی و بازیگوشی آنان در مواجهه با انگیزه‌های مجرمانه است. ثانیاً: به اقتضای شرایط سنی و فطرت پاک اولیه و روح لطیف‌شان بیشتر آمادگی اصلاح و بازگشت به جامعه را دارند. در نتیجه استحقاق و شایستگی برخورداری از یک سیاست جنایی افتراقی را خواهند داشت.

همین نکات موجب شده است که صاحب‌نظران علوم اجتماعی و علمای حقوق جزا به دادرسی ویژه نوجوانان به‌طور خاص توجه داشته و با قابل بودن به سیاست جنایی افتراقی شیوه‌ها و الگوهای مداخله در امر کودکان و نوجوانان ناقض قانون را به شکل ویژه و جدای از بزرگسالان پیش‌بینی نمایند یا لااقل در دستور کار خود قرار دهند.

در حال حاضر، از کل ۷۵/۱۴۹/۶۶۹ نفر جمعیت کشور ۴/۱۶۸/۸۲۱ نفر را جمعیت زیر ۱۹ سال تشکیل می‌دهد^۲، این یعنی جامعه نوجوان، که مستلزم توجه خاص در همه زمینه‌ها، از جمله دادرسی نوجوانان است؛ زیرا چنین جمعیتی با این فراوانی بالا چنانچه

۱- عبارت «ناقض قانون» در مورد کودکان و نوجوانانی به کار می‌رود که با نقض قوانین جزایی تحت تعقیب قرار می‌گیرند. این اصطلاح به جای کودکان و نوجوانان بزه‌کار به کار برده می‌شود.

۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

موجب حمایت و مراقبت ویژه قرار نگیرند کجروی و ارتکاب اعمال خلاف قانون را به دنبال خواهد داشت که در آن صورت نمی‌توان کودکان و نوجوانان را صرفاً معارض قانون یا بزه‌کار خواند؛ بلکه باید گفت حتی کودکان و نوجوانان بزه‌کار، در واقع قربانیان جرم هستند.

هر چند در سال‌های اخیر شعار سیاست جنایی افتراقی در خصوص اطفال و نوجوانان زیاد شنیده می‌شود؛ اما با وجود تحولاتی که در سیستم قضایی به عمل آمده است، متأسفانه در سیستم پلیسی شاهد هیچ‌گونه تغییر جدی نبوده و نیستیم. به عبارت دیگر پیش‌بینی قاضی ویژه اطفال و نوجوانان، دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان، مجازات‌های خاص آنها، محل نگهداری و شیوه مداخله قضایی و حتی شیوه صدور احکام و اجرای آنها، همه ناظر بر مراحل قضایی است و این در حالی است که بعد از چندین سال هنوز سیاست پلیسی ما در قبال جرایم این طیف وسیع از جامعه، سیاست عمومی حاکم بر بزرگسالان است. هر چند پلیس به صورت خودجوش سعی بر احساسات و عواطف انسانی، ممکن است در مواردی با بچه‌ها متفاوت با بزرگسالان رفتار کند.

بررسی‌های غیررسمی نشان می‌دهد با وجود اینکه پلیس ذاتاً تمایل دارد در خصوص کودکان و نوجوانان رفتاری افتراقی داشته باشد اما به ندرت در تحریک اراده قانونگذار برای ایجاد بسترهای قانونی آن و در نتیجه ایجاد مهارت در کارکنان خود اقدام جدی به عمل آورده است، بررسی سیر مراحل قانونگذاری از بدو امر قانونگذاری در حدود اختیارات پلیس تاکنون بیانگر این ادعاست. هر چند خود بخانه در ماده ۳۱ لایحه آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۰)، تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان پیش‌بینی شده است که نشان از تلاش حامیان حقوق کودک دارد.^۱

۱- به موجب ماده ۳۱ لایحه آیین دادرسی کیفری (۹۰/۵/۱۰) مقرر شده است: به منظور حسن اجرای وظایف ضابط در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.

در هر نظام دادرسی نوجوانان، اشخاصی مشغول به کار هستند که هر یک نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند از قبیل؛ پلیس، مقامات قضایی، مشاوران و مددکاران اجتماعی، وکلا و مشاوران حقوقی، خانواده، بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تأثیرگذار. دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان برعکس دادرسی بزرگسالان، به مجموعه‌ای از قوانین، معیارها و استانداردها، روش‌ها، سازوکارها و تسهیلات، نهادها و سازمان‌هایی اشاره می‌کند که به‌طور خاص به خطاکاران نوجوان اختصاص یافته است.^۱

به‌طور کلی کودکان و نوجوانان بیشترین تماس خود را در سیستم عدالت کیفری با پلیس دارند، این تماس‌ها خواسته یا ناخواسته، بسیار متعددند؛ ولی در خصوص دادرسی ویژه نوجوانان به کودکان و نوجوانان ناقض قانون، کودکان و نوجوانان قربانی جرم، کودکان و نوجوانان شاهد جرم، کودکان و نوجوانان در معرض خطر و نیازمند به حمایت محدود می‌شود.

نقش پلیس در ارتباط با کودکان و نوجوانان ناقض قانون از مرحله تشخیص جرایم ارتكابی، شناخت سن مسئولیت کیفری آنان و نحوه مداخله در موضوع، تشخیص اهمیت جرم ارتكابی، شناخت شخصیت مرتکب، شناخت علل و عوامل ارتكاب جرم، تصمیم به مداخله و دستگیری، فرایند دستگیری یا استفاده از جایگزین‌های دستگیری، نحوه بدرقه آنان، ملاحظات قانونی و حقوق اساسی کودکان و نوجوانان معارض قانون، چگونگی بیان حقوق کودک با شیوه کودک‌فهم، بازجویی، بازداشت و استفاده از جایگزین‌های بازداشت، تشکیل پرونده شخصیت و پرونده قضایی و نحوه مشارکت دادن خانواده در امر

وظایف و حدود اختیارات آن به‌موجب لایحه‌ای است که وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌کند و پس از تصویب آن از سوی هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

۱- تعریف صندوق حمایت از کودکان و نوجوانان از دادرسی ویژه نوجوانان. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به جزوات کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان برای مربیان پلیس، معاونت تربیت و آموزش ناجا، ۱۳۸۲.

رسیدگی و اتخاذ تصمیم، قضا‌زدایی^۱ و عدم مداخله قانونی، حضور در دادگاه و کمک به قاضی برای اتخاذ تصمیم صحیح، متعدد و متنوع هستند؛ بنابراین داشتن مهارت لازم برای ورود به این مراحل و اتخاذ تصمیم صحیح در هر مورد نیازمند دقت بسیار است.

کتاب پیش رو حاصل تلاش تیمی متشکل از مربیان ملی دادرسی ویژه نوجوانان؛ سرهنگ قضایی محمد بارانی و سرهنگ دکتر سیدسعید کشفی و متخصصان بین‌المللی دادرسی ویژه نوجوانان؛ آقای نایجل برانکن و خانم آن اسکلتن است که با توجه به قوانین و مقررات ملی و اسناد بین‌المللی و با هدف استانداردسازی رفتار پلیس ایران در مواجهه با کودکان و نوجوان در تماس با قانون تألیف شده است؛ چراکه در تمامی بخش‌های دنیا، همه روزه کودکان، یا زمانی که نیازمند مراقبت و حمایت هستند، یا هنگامی که معارض با قانون یا قربانی یا شاهد وقوع جرمی می‌باشد، در تماس و برخورد با پلیس قرار می‌گیرند.

از این رو، این تماس و برخورد اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که کودک آسیب‌پذیر بوده و نیازمند حمایت و راهنمایی است. آموزش و تربیت پلیس به منظور تضمین این امر که برخورد و تماس همواره مثبت باشد، ضروری و اساسی است.

آموزش و تربیت کارکنان نیروی انتظامی به تضمین این امر کمک می‌کند که این نیرو ابزاری را دریافت کند که بر اساس آن اطمینان باید حقوق کودکان مورد حمایت قرار می‌گیرد و اینکه خود آنها نیز به منظور رشد و توسعه استعدادها و توانایی‌های‌شان مورد حمایت و پشتیبانی هستند.

پلیسی که آموزش می‌بیند و برطبق عالی‌ترین و بهترین مصالح کودک در اجتماع، به انجام وظیفه می‌پردازد، قلباً مطمئن است که یک فرهنگ، زمانی در یک اجتماع توسعه و بسط می‌یابد که حقوق بشر، عدالت و تعالی رفتار، ارزشمند باشد و بیشتر شهروندان آسیب‌پذیر آن اجتماع، مورد حمایت باشند.

این کتاب از چهار فصل تشکیل شده است، فصل اول به «مقدمات و الزامات پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان در تماس با قانون» می‌پردازد که موضوعاتی چون؛ مبانی نظری حقوقی و جرم‌شناختی، مراحل رشد و تکامل کودکان و نوجوانان، مهارت ارتباطی پلیس با کودکان و نوجوانان، تماس با کودکان و چگونگی واکنش نسبت به رفتارهای ناقض قانون آنها، نظام حمایت اجتماعی و نحوه تعامل و ارتباط با آن را دربرمی‌گیرد. بخش دوم به «نقش پلیس در دادرسی ویژه نوجوانان از منظر اسناد و مقررات بین‌المللی و حقوق ملی» اختصاص داده شده است که در آن نقش پلیس در هر دو حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بررسی و مقایسه اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، اصول و ویژگی‌ها و شاخص‌های پلیس دادرسی نوجوانان به دست می‌آید و امکان طراحی نقشه راه را برای پلیس در این نوع دادرسی مهیا می‌کند. در فصل سوم به موضوع «پلیس و رویکرد عدالت ترمیمی به کودکان و نوجوانان ناقض قانون» پرداخته می‌شود که دربرگیرنده مفهوم و شیوه‌های عدالت ترمیمی، نقش پلیس در اجرای عدالت ترمیمی، مطالعات موردی در این خصوص و لزوم عزم جدی دولت، جامعه مدنی و پلیس برای حرکت از عدالت کیفری به عدالت ترمیمی در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان است. فصل چهارم به «فرایند مداخله و نحوه رفتار پلیس با کودکان و نوجوانان ناقض قانون» اختصاص دارد که مراحل مداخله پلیس را اعم از پیشگیری، مداخله اولیه، مداخله قانونی و تداوم مراقبت را مورد مطالعه قرار می‌دهد. سن مسئولیت کیفری در قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی و اهمیت تشخیص آن توسط پلیس، شیوه مداخله و رفتار پلیس در جرایم کودکان و نوجوانان؛ مصاحبه و بازجویی، بررسی امکان قضازدایی و روش‌های اجرای آن، احضار، دستگیری و بازداشت و جایگزین‌های آن، رعایت حقوق بزه‌دیدگان، متهمان و شهود از دیگر مباحث این فصل است. لزوم اتخاذ بهترین رویه‌ها برای نظارت بر عملکرد پلیس در دادرسی ویژه نوجوانان و تخصصی شدن آن از نظر دور نمانده است.

تلاش مؤلفان این است که ضمن روشن کردن زوایای پنهان نقش پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان به سؤالات بسیاری پاسخ داده شود که عموماً بر اساس مطالعات نظری و میدانی نگارندگان طراحی و پاسخ داده شده است که امیدواریم مورد توجه و استفاده حامیان حقوق کودک و به ویژه کارکنان پلیس قرار گیرد.

تألیف این کتاب میسر نبود جز با عنایات حضرت احدیت و حمایت مجدانه فرماندهی محترم ناجا، معاون محترم تربیت و آموزش ناجا، مدیر کل محترم تحصیلات تکمیلی وقت جناب سرهنگ سیف‌اللهی، رئیس محترم اداره روابط بین‌الملل جناب سرهنگ باقری، کارشناس روابط بین‌الملل کارمند بهمن آبادی و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)؛ همچنین از سرکار خانم زهرا دالوندی و آقای علی فاتح به‌عنوان همکاران تألیف و ترجمه و کلید کسانی که در تألیف این کتاب ما را یاری نموده‌اند، تشکر کرده و بر خود فرض می‌دانیم تا مراتب سپاس و امتنان خود را نثار تک‌تک ایشان کرده و سلامت و سعادت روزافزون‌شان را از درگاه ایزد متعال آرزو نمایم.

امید است این کتاب در ارتقای استانداردهای رفتاری پلیس در مواجهه با سرمایه‌های گران‌بهای انسانی (کودکان و نوجوانان) مؤثر واقع شود.

تا نبیند کودکی که سبب هست / او بیاز کند مرا ندهد ز دست

سرهنگ قضایی محمد بارانی
سرهنگ دکتر سید سعید کشفی

تعاریف و مفاهیم

الف - پلیس

پلیس واژه‌ای فرانسوی است که از واژه polity به معنای شکلی از حکومت یا یک هیئت سیاسی گرفته شده است. (هادی نوری و پدرام سعید، ۱۳۸۸: ۵) در فرهنگ فارسی، پلیس در معنای شهربانی، نظمیه، پاسبان، محتسب و عسس به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۵: ۸۱۲) همچنین گاهی به اداره شهربانی نیز پلیس اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۷۱۴) در کنار این معانی گاهی پلیس در معنای مجموعه قواعدی که دولت بر جامعه به منظور حفظ نظم و آرامش و امنیت کشور تحمیل می‌کند به کار گرفته می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۲۸) با این حال امروزه پلیس بیشتر در معنای مجموعه افراد سازمان یافته (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - معاونت پژوهشی، ۱۳۷۶: ۲) که وظیفه حفظ نظم، پیگیری از جرم، کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهم را برعهده دارد، به کار برده می‌شود. ضابط واژه عربی است از ریشه ضبط به معنی نگهداری کردن. در فرهنگ لغت فارسی در معانی نگاه دارنده، حفظ کننده، حاکم، قاید، پلیس و رئیس انتظامات شهر به کار رفته است.

فارالیک در بیان مفهوم واژه پلیس بیان داشته که: «پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخلف، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص ثالث است». (انصاری، ولی ا...؛ ۱۳۸۰: ۲۲) برخی دیگر مانند **لوسور** در تشریح واژه پلیس سه معنی را بیان کرده‌اند «۱- مجموعه مقرراتی که به وسیله مقامات عمومی وضع و بر افراد تحمیل می‌شود. ۲- وضع و اجرای مقرراتی که هدف آنها تأمین آسایش، امنیت و بهداشت عمومی است. ۳- گروهی از کارکنان دولتی که مقررات مربوط به آرامش، امنیت و بهداشت عمومی را که به وسیله مقامات صالح اتخاذ شده به مورد اجرا می‌گذارند». (کشفی، سعید؛ ۱۳۷۷: ۴) به طور خلاصه می‌توان گفت که پلیس به معنای

اصطلاحی در دو منظور به کار گرفته می‌شود: ۱- معنایی که ناظر بر قواعد و مقررات است و ۲- معنایی که ناظر بر سازمانی خاص است. «در معنای بسیار وسیع پلیس شامل مجموعه قواعدی است که به وسیله مقامات عمومی به شهروندان تحمیل شده است؛ در این صورت قدرت پلیس تحمیل چنین قواعدی است. این گونه پلیس کلیه رشته‌های حقوق را دربرمی‌گیرد. در معنی محدودتر که در این صورت محدود به حدود حقوق اداری می‌شود، پلیس عملیاتی است که هدف آن، تأمین آرامش، امنیت و سلامت عمومی، از راه عمومی یا فردی و به وسیله بعضی اقدامات مناسب است؛ مقامات پلیس مقامات اداری هستند که حفظ این نظم به آنها سپرده شده است. در زبان معمولی [عامیانه] نیز کلمه پلیس به طور ساده، طبقه‌ای از کارمندان دولت است که نقش آن عبارت است تأمین اجرای دستورات عمومی یا فردی و اقدامات متناسب که از طرف مقامات پلیس به منظور تحقق هدف اساسی ذکر شده اتخاذ می‌شود: آرامش، امنیت و سلامت عمومی».

در هر حال آنچه در نگاه اول از راز پلیس به ذهن متبادر می‌شود همان سازمان یا ارگان خاص است و نه مجموعه قواعد و مقررات خاص (مقدس، باقر؛ ۱۳۸۶: ۱۵).

مأموران نیروی انتظامی به عنوان ضابطین عام نقش اصلی را در تحقیقات پلیسی ایفا می‌کنند. طبق قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ نیروی انتظامی، که از ادغام شهربانی، کمیته و ژاندارمری تشکیل خواهد شد (ماده ۱)، سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور (ماده ۲). هدف از تشکیل این نیرو استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی خواهد بود (ماده ۳). ماده ۴ در ۲۶ بند وظایف نیروی مذکور را برشمرده است. برخی از این وظایف ناظر به قبل از وقوع جرم است. چنان که استقرار نظم و امنیت (بند ۱)، تأمین امنیت برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها (بند ۳)، حراست از اماکن و تأسیسات (بند ۵) و پیشگیری از وقوع جرایم (قسمت د بند ۸) ناظر بر این مرحله است. برخی

از وظایف نیز وظایفی هستند که نیروی انتظامی در فرایند دادرسی کیفری برعهده دارد. این مصادیق در بند ۸ ذکر شده است. کشف جرایم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم و دستگیری متهمان از جمله این موارد است (مقدسی، باقر؛ ۱۳۸۶: ۱۹).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، و همانند اصل ۱۷۲ قانون اساسی، تنها از عبارت «ضابطين دادگستری» استفاده کرده است. ماده ۱۵ ق.آ.د.ع.ا.ک. در خصوص ضابطين مقرر داشته «ضابطين دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند».

ب - کودک

ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک

«از نظر پیمان نامه حاضر منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است؛ مگر اینکه بر طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد».

کنوانسیون در تعریف کودک، تنها معیار و ملاک تمایز وی از بزرگسالان را معیار سن قرار داده است و مقولات دیگر از قبیل رشد و عقل مورد توجه قرار نگرفته است.

اشاره تدوین کنندگان به زیر ۱۸ سال بودن، بیانگر این است که کودکی، طیف گسترده سنی از لحظه تولد تا رسیدن به این سن است و بدیهی است که در سنین مختلف این طیف نیازها، توانایی ها و قابلیت های فرد متفاوت است، به عنوان مثال: حداقل سن کار، حداقل سن مشارکت سیاسی، حداقل سن مشارکت در مخاصمات مسلحانه و ...

در حقیقت ۱۸ سالگی مرز کودکی و بزرگسالی است. این سن، همان سن رشد و رسیدن به مرحله ای از زندگی است که فرد توانایی و درک لازم برای خروج از دوران کودکی، ورود به عرصه بزرگسالی و استقلال در اعمال حقوقی خود پیدا می کند. به بیان دیگر، شخص به مرحله ای از بلوغ جسمی و روانی می رسد که دیگر محجور نیست و

می‌تواند در مورد مسائل مربوط به خود تصمیم‌گیری کرده و آنها را به مرحله اجرا در آورد و اهلیت استیفا نیز دارد. تدوین‌کنندگان کنوانسیون به این مهم توجه کرده‌اند که این معیار (سن) به تناسب موقعیت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و ... کشورها متفاوت است؛ بنابراین از آنجا که هدف، پذیرش نهایی کنوانسیون است، دست دولت‌ها را در زمینه تعیین سن کودک باز گذاشته و اجازه داده است که دولت‌ها سن کودک را بر اساس قوانین داخلی خود تعیین کنند.

در ادامه، ماده ۱ چنین مقرر می‌نماید:

«... مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد؛ بنابراین دولت‌ها از جمله دولت ایران می‌توانند به استناد قانون داخلی، سنی متفاوت را برگزیده و بدان عمل کنند. یادآور می‌شود هر چند این تخصیص به دولت‌ها اختیار تعیین سن کمتر را می‌دهد؛ اما در مواردی که ممکن است تأمین و حمایت مصادیقی از حقوق کودک به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت الشعاع سن تعیین شده قرار گیرد، به‌طور صریح یا ضمنی بر رعایت سن مورد نظر کنوانسیون تأکید شده است، به‌ویژه در مواردی که ملازمه رشد و بلوغ انکارناپذیر است، از جمله در مورد سن مسئولیت کیفری و ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین، اعدام و حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال (م ۳۷ کنوانسیون) و حداقل سن ازدواج که عدم توجه به این حداقل بر بهداشت و سلامت روانی و جسمی، آموزش و سایر حقوق فردی و اجتماعی کودک تأثیر منفی دارد. در مجموع کنوانسیون:

۱- کودک را فرد زیر ۱۸ سال می‌داند.

۲- کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی است.

۳- اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است؛ مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب کند که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.

در حقوق ایران کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. مطابق تبصره ۱

ماده ۱۲۱۰ ق.م.سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است؛ و مطابق اصل هفدهم قانون اساسی تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است. کنوانسیون، سن بلوغ را برای پسر و دختر هر دو به طور یکسان در نظر گرفته است؛ اما سن بلوغ تعیین شده در حقوق ایران، با توجه به شرع مقدس اسلام مبتنی بر جنسیت برای دختران و پسران متفاوت پیش‌بینی شده است.

در فقه اسلامی ابتدای دوران بلوغ پایان دوره کودکی است، یعنی بلوغ مرز بین کودکی و نوجوانی را مشخص می‌کند؛ به تعبیری سن کودکی از ولادت تا بلوغ است و منظور از کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. مفهوم کودکی از دیدگاه علما و فقهای اسلامی نیز قابل بررسی است. فقها و علمای اسلامی ادوار مرتبط با کودکی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: از ولایت تا هفت سالگی (صبی غیر ممیز) و از هفت سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز)، از سن بلوغ به بعد که شخص دارای مسئولیت کامل می‌باشد. دیدگاه‌های فقهای شیعه و سنی و هر یک از نحله‌های فکری اهل تسنن جداگانه در این زمینه قابل بررسی است که در مقاله ذکر شده است (رسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۵).

قرآن کریم در سوره‌های (نور: ۵۹؛ نساء: ۶؛ انعام: ۱۵۲؛ یوسف: ۲۲؛ اسراء: ۲۴؛ کهف: ۸۲؛ حج: ۵؛ قصص: ۱۳؛ نمل: ۶۶؛ احقاف: ۱۵) در این زمینه اشاره کرده که در مجموع سه معیار ذکر شده است بلوغ الحلم، بلوغ النکاح، بلوغ اشد. با توجه به این معیارها، می‌توان گفت قرآن کریم سن مشخصی را به عنوان سن بلوغ ذکر نکرده است، قرآن کریم در امر بلوغ هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی توجه کرده است و مسئله بلوغ در قرآن با تعبیرات مختلف آمده است.

از روایات ائمه اسلامی در این زمینه نیز استفاده می‌شود که اولاً؛ معیار بلوغ چه در مورد پسران و چه در مورد دختران، مبنای تکوین شخصیت فرد و قبول مسئولیت در زمینه‌های مختلف است. ثانیاً؛ معیار اصلی برای بلوغ کودک، رشد و تکامل جسمی و جنسی اندام‌های تناسلی است که معیار آن در پسران احتلام و در دختران عادت ماهانه است. ثالثاً؛

در روایات، حد سنی برای بلوغ ذکر شده که در مورد پسر از ۱۳ تا ۱۶ سال و در مورد دختر از ۹ تا ۱۳ سال مطرح است که می‌توان آن را اماره بلوغ تلقی کرد.

قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۱۰ بلوغ را پایان دوره کودکی دانسته و در اصلاحاتی که در چهارمین سال پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران در قانون مزبور صورت گرفت گفته شد که ۹ سال در دختر و ۱۵ سال در پسر، معیار بلوغ است.

تلاش مجریان امور در ایران می‌بایست معطوف به این حقیقت باشد که اولاً، اسلام را درست درک کنند و سپس درست عمل نمایند و تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق کودک را نیز در اقدامات خود مد نظر قرار دهند تا روز به روز جایگاه کودکان از حیث رعایت حقوق بشر ارتقا یابد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۵).

ب - دادرسی ویژه نوجوانان

دادرسی نوجوانان این گونه تعریف شده است:

«دادرسی نوجوانان به مجموعه‌ای از قوانین، معیارها و استانداردها، روش‌های کار، سازوکارها، تسهیلات و نهادها و سازمان‌هایی اشاره می‌کند که به‌طور خاص به خطاکاران نوجوان (کودکانی که قوانین جزایی و جنایی یا هر قانون دیگر را زیر پا گذاشته‌اند) اختصاص یافته است (برنکن، نایجل؛ ۱۳۸۲: ۱۶ و ۳۲).

به نظر می‌رسد دادرسی ویژه نوجوانان را می‌توان در معنای عام و خاص تعریف کرد در معنای عام عبارت دادرسی ویژه نوجوانان کلیه کودکان معارض قانون، بزه دیده، شاهد وقوع جرم و در معرض خطر را دربر می‌گیرد و مورد مطالعه قرار می‌دهد، در این معناست که رفتار پلیس در مورد همه کودکان در این چهار دسته تعریف خواهد شد؛ از جمله حمایت، پیشگیری و رسیدگی به نقض قانون توس آنها اما در معنای خاص کلمه دادرسی ویژه نوجوانان به چگونگی مداخله در امور کودکان معارض قانون اختصاص دارد که با نقض قوانین جزایی مرتکب جرم شده‌اند. در این کتاب دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در معنای عام کلمه مورد توجه قرار گرفته است.

عبارت «دادرسی ویژه نوجوانان» طیف گسترده‌ای از واقعیت‌ها را به شرح زیر دربر می‌گیرد.

۱- علل مداخله

گروه‌های زیادی از کودکان و مسائل آنان، در ارتباط با دادرسی ویژه نوجوانان در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به تاریخ یا سنت‌های ملی متفاوت، دادرسی ویژه نوجوانان را می‌توان به عنوان روشی که در برخورد با کودکان بزهکار بیشتر بر محور کودک استوار است، نگریست. در این زمینه دادرسی ویژه نوجوانان جایگزین همان سیستم جزایی است که برای بزرگسالان به کار می‌رود.

دادرسی ویژه نوجوانان همچنین می‌تواند شامل توجه به رفتار قبل از ارتکاب جرم یا حتی به گونه‌ای جامع‌تر، شامل توجه به کودکان و خانواده‌های در «معرض خطر» یا «آسیب‌پذیر» باشد.

در برخی از کشورها، حتی موضوعات مشخصاً مدنی هم بخشی از موارد دادرسی ویژه نوجوانان را تشکیل می‌دهند و راه حل آنها در آنجا جست‌وجو می‌شود. مثلاً فرزندخواندگی، نگهداری و حضانت کودکان طی دوران طلاق والدین و پس از آن و ... همیشه فقط کودکان در مرکز توجه این نوع اقدامات قرار ندارند یا دلیل آن نیستند. والدین یا حتی تمام خانواده نیز می‌تواند در هر گونه اقدام در ارتباط با دادرسی ویژه نوجوانان مدنظر باشد.

۲- چه کسانی مداخله می‌کنند؟

دادرسی ویژه نوجوانان می‌تواند شامل اقدامات مقامات قضایی یا اداری باشد. همه آگاهی دارند که در بسیاری از کشورها، دادگاه‌های ویژه کودکان وجود دارد. قضاتی با آموزش‌های خاص، دارای اختیارات برای تصمیم‌گیری درباره اقدامات اجباری در مورد «کودکان در معرض خطر» یا مجازات‌های خاص یا اقدامات تربیتی در مورد کودکان بزهکار هستند.

مقامات اداری مانند شوراهای حمایت از کودکان نیز می‌توانند برای حفظ منافع کودکان «در معرض خطر» در اغلب موارد اقدام کنند؛ لیکن فقط با موافقت والدین و گاه نیز با موافقت

خود کودکان. در زمینه بزهکاری نوجوانان، اقدامات مقامات منحصراً اداری نیز امری استثنائی نیست. این افراد معمولاً به جرایم سبک کودکان یا جرایم افراد نابالغ رسیدگی می کنند.

۳- خدمات خاص / کارکنان متخصص

دادرسی ویژه نوجوانان همچنین به معنای تخصصی شدن اقدامات است (به اشاره درباره قضات و دادگاه های کودکان در بالا مراجعه شود). در اقدامات مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان، آموزش بیشتر و کارکنانی که در زمینه توسعه اجتماعی تخصص دارند روبه رو می شویم، مانند مددکاران اجتماعی، مربیان، روان شناسان و ... نقش این افراد می تواند بسیار متنوع باشد. آنها می توانند در امر تصمیم گیری کمک کنند (مثلاً تهیه گزارش درباره شخصیت کودک یا محیط اجتماعی او) یا در راهنمایی کودکان و خانواده آنان که موضوع این اقدامات هستند، نقشی به عهده بگیرند.

۴- داشتن یک هدف مشترک با تئوری مصالح کودک

دادرسی ویژه نوجوانان از اوایل قرن بیستم آغاز شده است و هدف آن تأمین حمایت مؤثرتر و جامع تر از کودکان است. در آن زمان کمبود خدمات کافی و تخصصی اجتماعی، بیش از گذشته احساس می شد؛ زیرا جوامع، با صنعتی شدن و شهرنشینی و همه عواقب آن روبه رو بودند. همچنین در زمینه برخورد با بزهکاری نوجوانان، منافع جامعه و فرد زیان دیده کمتر در اولویت قرار داشت؛ لیکن به تدریج منافع کودکان در اولویت اول مورد توجه قرار گرفت. همچنین به فقدان یا کاهش مسئولیت کیفری کودکان و بازگرداندن آنان به دامن جامعه توجه بیشتری صورت گرفت و کودکان بسیار «تربیت پذیرتر» از بزرگسالان در نظر گرفته می شدند (کاپلار، گیرت، ۱۳۷۸: ۱۱).

فصل اول

مقدمات و الزامات پلیسی در مواجهه با کودکان و نوجوانان در تماس با قانون

اهداف رفتاری و آموزشی

فراگیر در پایان این فصل با مطالب زیر آشنا می‌شود:

- ۱- نظام‌های حمایتی اجتماعی مرتبط با اهمیت زندگی کودکان
- ۲- نحوه تماس با کودکان به هنگام مواجهه شدن با مشکلات
- ۳- نگرشی بر دیدگاه‌های متفاوت در امور کودکان و مقررات مرتبط
- ۴- توانایی تشخیص شیوه‌های متفاوت در برخورد قانون با کودکان
- ۵- شناخت بهترین رویه‌های بین‌المللی به هنگام بررسی وضعیت هر یک از گروه‌های کودکان

فصل اول - مقدمات و الزامات پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان در تماس با قانون

نخستین گام در اعمال و اجرای حقوق کودک، فهم این موضوع است که چرا کودکان آسیب‌پذیرند و نیازمند مراقبت خاص. به‌علاوه، شناخت نقش مهمی که پلیس در زندگی کودکان بازی می‌کند، نظام‌های حمایتی از کودک و رشد و تکامل کودک، پلیس را در مواجهه و رفتار با کودکان در هر مرحله سنی که باشند، یاری خواهد کرد. مأموران پلیس همچنین به آگاهی از میزان تأثیر مداخلات‌شان روی کودکان نیازمندند. تبیین و تحلیل رهیافت‌های بین‌المللی در عرصهٔ دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان به ایجاد نوعی احساس در بین مأموران پلیس کمک خواهد کرد که خود را به‌عنوان بخشی از یک جنبش جهانی در راه ارتقا و بهبود شیوه‌ای که کودکان در هنگام تماس با قانون با آن سروکار دارند، قلمداد نمایند و باعث بروز و نمود حسی می‌شود که خود را با تمام وجود به‌عنوان «وکلای مدافع حقوق کودک»، سهم بدانند.

این فصل، موضوعاتی چون؛ مبانی نظری حقوقی و جرم‌شناختی، مراحل رشد و تکامل کودکان و نوجوانان، مهارت ارتباطی پلیس با کودکان و نوجوانان، تماس با کودکان و چگونگی واکنش نسبت به رفتارهای ناقض قانون آنها، نظام حمایت اجتماعی و نحوهٔ تعامل و ارتباط با آن را دربر می‌گیرد.

این موضوعات به این دلیل بیان می‌شود تا درک و شناختی از این مسئله ایجاد شود که چرا کودکان به‌طور خاص آسیب‌پذیرند و باید به شیوه‌ای متفاوت از بزرگسالان با آنها رفتار کرد؛ بنابراین می‌تواند مبنای مهمی در نگرش پلیس به حقوق کودک در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان باشد.